



34
2342

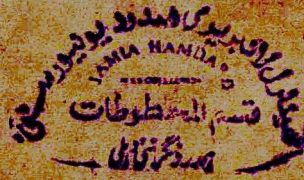
رسالہ جامعہ اسلامیہ

12



عمر السبع

1338



این علم و آنکس بنا بر این تحقیق تجلی موی
 که در شجره لشکل انشوی را علیه السلام شده
 بود تجلی صوری نوری باشد به جامع صوت
 و نور هر دو بود و بلکه حضرت ابراهیم عم را اول
 تجلی بصورة ستاره شده بود و بعد بصورت
 ماه و پس از وی بصورت افتاب همین تجلی بود
 که وی هم بر این قناعت نمود و بر غیر تجلی ذات
 انکشاف نکرد و این تجلی نوری متوسطان سلوک را در
 یدایت و توسط دست می دهد و تجلی معنوی در
 ظهور الیهامات و علوم و معارف اذواق
 می باشد و فوق عظیم است میان علم و صورت
 انسانی و مراد از این علم سالک است نور بعضی
 کلام و تجلی معنوی است که انجا معنی حقیقت

سالك و در انكشوف ميگرد و تجلي ملكوتي صورت
ست كه انجا محراب نشو و نشو و در حقيقت
بعيدى باشد و تجلي نورى الضا صورى ملكوتى است
وليكن بواسطه شدت مله ان نور رسوخى
كرديد و تجلي ذاتى كه انرا تجلي ذاتى الضا نامند
عبارت از ظهور ذات است در صورت اسمى
مبداء تعين صاحب تجلي است و مشابه جمال مطلق
كه در فناى الله ميگويند معنى ديكر دارد و ان عبارت
از انخذاب روح است بحال هستى حقيقى كه عبارت
از حستى حشيان ذات است بكنيفتى كه شعور است
و انخذاب نيز مانند بطور متوهمان بوده خاص مشابه
جمال ذات مطلق است بطورى انكان طلاق است
بلكه كه منتهى ان اسم شود و مطلق گفته اند

اطلاقاً اوست از تعینات گویند و تعین
شماره از آن معنی است که از مجموعیات تا تویت و فوق میان
تجلی معنوی و تجلی ذاتی است که حاضر مدركه در تجلی معنوی
صور علم است فقط با علم باینکه معلوم چیست
سجانه و حاضر مدركه در تجلی ذاتی احدیه مجرده است
اگرچه این تجلی نیز در برده اسماء و صفات است
بالجمله هر چه حاضر مدركه است تجلی منسوب بآن است
و فرق میان تجلی اعتقادی و معنوی آنکه در
تجلی اعتقادی یقین است باینکه این صورت
معنوده صورت حق است سجانه و در تجلی معنوی
یقین است باینکه وی صورت حق است با الفرق
صورت علم در مدركه بالجملة در تجلی معنوی باطن در
برده علم که قیام معلوم است بتفصیل و قطعاً کاری